

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه
برگردان از: حمید محوی
۰۴ جون ۲۰۱۳

ایران، تخریب ضروری

بخش ۵



از دیدگاه منطقی، ایران باید نابود شود، علی رغم خطر غیر قابل کنترل جنگ، و گسترش آن به منطقه و حتی در سطح جهانی. احتمالی که برخی بیانیه های رسمی روسیه بدان اشاره کرده است (یا چین، کمی دورتر به این موضوع خواهیم پرداخت)، ابرقدرتی که در این سالهای گذشته، در مورد لغزش هائی که در خاورمیانه می تواند روی دهد، یعنی منطقه ای که از شصت سال پیش به این سو طعمه بی ثباتی دائمی و بحران بوده، به کرات اعلام خطر کرده است. بحرانی که در این دو دهه گذشته به شکل فزاینده به تنشی واقعی بین شرق و غرب دامن زده و یادآور دوران جنگ سرد است. تنشی که در متن بحران سوریه به بن بستی خونبار و موضع گیری سخت آهنگ بین طرفین انجامیده است.

با توجه به تهدیدات تکراری در مورد حمله یکجانبه نیروی هوایی اسرائیل علیه مراکز هسته ئی ایران - یا موشکهای کروز [دریا - پایه] از طریق زیر دریائی های تهاجمی که توسط المان به رهبری صدر اعظم مرکل به اسرائیل تحویل داده شده است - بسیاری از ناظران آگاه بی تردید پیشبینی کرده اند که حریق جنگ در ماه های آینده شعله ور خواهد شد. البته حقیقت این است که اعلام جنگ زودآیند تازگی نداشته ولی با پافشاری در تکرار آی گرگ، آی گرگ، گرگ سرانجام پوزه اش را نشان خواهد داد. اینطور نیست؟

ایران در وهله نخست باید نابود شود نه به این علت که یک دولت شیعه مذهب است، بلکه به این علت که «دین سالار ملی گرا» بر آن حکومت می کند، در حالی که ضرورتاً باید به صف جهانیان بپیوندد. باید دانست که این اسلام نیست که هدف گرفته شده، بلکه دولت ملت به عنوان الگو و بینشی مد نظر می باشد که دموکراسی جهانی، - مشارکتی - و - مرکز گریز - از سال ۱۹۴۵ جنگ بی امانی را علیه آن اعلام کرده است.

ملت، در واقع از جنگ دوم جهانی به این سو متهم است به تمام ناملایمات، و پیش از همه به جنگ آفرینی. بر این اساس علی رغم آنچه هیلری کلینتن اخیراً گفت «طی دویست و سی و شش سال که از بنیانگذاری ایالات متحده می گذرد، در همه جا از دموکراسی دفاع کرده است»، باید مشخص کنیم که این دموکراسی به بهای تقریباً ۱۶۰ جنگ فرامرزی تا پیش از ۱۹۴۰ تحقق یافته که غالباً جنگهای مداخله جویانه، و به هدف ضمیمه سازی و یا برای گسترش بوده است.

علاوه بر این خصوصیت انقلابی - ملی - اسلامی و راز و رمز مدار ایران است که باید «به شکل عادی تحول یابد». آنچه به عنوان فوریت ضروری و اجتناب ناپذیر در رأس برنامه سیاسی غرب - ایالات متحده/اسرائیل/اتحادیه اروپا - به ثبت رسیده، فراهم ساختن ورود ایران به صفوف دموکراسی لیبرال است.

ایران خواهی خواهی فراخوانده شده تا در دیگ بزرگ جوامع از هم گسیخته حل شود. فضای مبادلات آزاد - مانند آنچه در ساخت و ساز اتحادیه اروپا غالب بود - یعنی تقسیم جامعه (برای این که نگوئیم «اتمی سازی فردگرا»)، تقسیمات حداکثر برای بازارها، به هدف ایجاد امکان برای تعدد حرکات و بازیگران اقتصادی: اقلیت های قومی، مذهبی و جنسی، زنان، حتی تقسیمات سنی و تعدد آن به شکلی که از این پس کودکان دو ساله هدف تبلیغات تجاری قرار گرفته اند، و آغاز تعلیم و تربیت از سنین پائین تر. تقسیمات تا جایی که ممکن است و تا جایی که حفاظ های اخلاقی - به مفهوم عناصر خدشه ناپذیر رسوم سنتی - مانع نمی شود.

به عبارت دیگر تقسیم بندی هائی که بدون آن پیوستن کامل کشورها به بازار یگانه یا «یگانه شده» در بطن «نظام جهانی» (۱۳) ممکن نخواهد بود.

[سیستم-جهان] ساخته شده پیرامون چند مرکز عصبی با ماهواره هایش، یعنی میدین بزرگ بورس. سجده گاه های مالی مانند مرکز تجاری لندن، جزیره مانهاتان، فرانکفورت یا بورس مواد اولیه در شیکاگو یعنی مکانی که سرنوشت مواد غذایی مردم جهان، به ویژه مردم جهان سوم در بازی امواج جریان سوداگرانه جنون آسا رقم می خورد، و بر این اساس تحت تأثیر لرزش های دائمی و بی ثباتی دامنه دار بازار می باشد.

تحرك به عنوان شاخص اساسی در اقتصاد مالی و بازدهی بالا که مستلزم انعطاف پذیری و تحرك تولید و گردش دائمی و فزاینده آن می باشد، به معنا و مترادف تغییر مکان و باز سازی بوده که تنها جوامع پسا-صنعتی را (خلاف آنچه می گویند) با «طرح های اجتماعی» شان به عنوان متغیری در تنظیمات متأثر نمی سازد.

نظام اقتصادی که به شکل گسترده از عامل انسانی رویگردان است، نظام سوداگری که طبیعتاً از بی ثباتی سازی از پیش تدارک دیده شده در بازار تغذیه می کند، و گاهی هرج و مرج مساعد در بازی سقوط و صعود، با عرضه عمومی خرید جنون آسا، در هم آمیختگی پر جنب و جوش سرمایه گذاری و سرمایه های مفید و ضروری برای ایجاد اختلاف سطح ارزش مناسب موجب تحقق بخشیدن به ارزش اضافی می گردد. به این معنا که موتور اقتصادی با تمایل آتی و افسارگسیخته برای غارت منابع طبیعی به هدف غائی برای [تخریب وسیع مصرف گرا] به حرکت در می آید، این همان فرآیندی است که آن را «رشد» می نامند.

این قلب واکنشگر اقتصادی است که شکاف هسته ئی حاصل از آن خارج از کنترل بوده و می تواند به نتایج ویرانگری بینجامد. خیلی ها در باره این موضوع حرف می زنند. به درستی، و بی آن که الزاماً نورویتیک فاجعه باور و یا دچار افسردگی باشند. پس از چرنوبیل مالی ۱۴ سپتمبر ۲۰۰۸، و به زودی فوکوشیمای اقتصاد جهانی با فروپاشی یورو و فروپاشی اتحادیه اروپا، که می تواند احتمالاً با تنزل قدرت امریکای شمالی همراه باشد. در این مرحله، تنها یک جنگ عظیم می تواند ثبات این نظام رو به زوال را نجات دهد که در حال حاضر شاهد به پایان رسیدن منابع محرک خود می باشد

ایران باید تخریب شود، برای نجات غرب، ولی باز هم از این بیشتر - برای طرحی توهم آمیز؟ - برای به کامیابی رساندن نظامی که غرب در اواخر قرن بیستم ساماندهی کرد، یعنی در دورانی که موفق شد تا خود را از موانع اخلاقی بنیانگذاری شده و تکیه داده شده به متافزیک و الاگرا که غالباً دارای ساختاری الهی شناسانه بود رها سازد. اگر نقض ارزش ها بسیار رایج بوده، همه به قانون بازی آگاه بودند و تلاش می کردند - دست کم با ظاهر نمائی - در سازشکاری های اجتماعی و به عبارت دیگر تلاش می کردند تا نظم اخلاقی خودشان را سر پا نگهدارند. امروز، پس از «متارکه معرفت شناختی» مهم در پایان سالهای ۱۹۶۰، متارکه بین سرمایه داری ملی و فلسفه اخلاق از نوع گیزو (۱۴) - به شکلی که ورنر سومبارت و ماکس وبر مورد بررسی قرار داده اند - وقتی که لوئی فیلیپ (پادشاه فرانسه ۱۸۳۰-۱۸۴۸) شعار می داد «ثروتمند شوید»، ولی از دیدگاه او موضوع این نبود که از طریق سوداگری و ورشکستگی پیاده نظام بورس ثروتمند شوند، بلکه «از طریق کار، پس انداز و درستکاری».

اختلال روشن است که با اختلال در متافزیک آغاز می شود: «اگر خدا وجود ندارد، پس همه چیز مجاز است» (۱۵). زیرا سرانجام یک روز باید پذیرفت که این نظام برای واقعیت یگانه دو چهره متفاوت از خود نشان می دهد، به عبارت دیگر روی شن های روان دروغ و در «جهان آزاد»، روی سراب الگوی دموکراتیک که روی «بازنمائی - نمایش» پارلمانی بنیانگذاری شده است. یعنی الگویی که در واقع انحرافی بوده و از مسیر اصلی اش خارج شده و حتی آلوده به سازوکاری گشته است که مشخصاً هدفش تداوم بخشیدن به انحصارات ذیفع و رانت خواری می باشد. تمام این ساز و کار به سلب حق رأی مردم و حق مداخله آنها در تصمیم گیری می انجامد، این نوع دموکراتور (۱۶) در واقع چهره حقیقی دموکراسی توقیف شده است.

حال اگر به موضوع خودمان بازگردیم، خداناباوری وحشیانه جوامع اشتراکی پس از انقلاب ۱۹۱۷ بر اساس «ماتریالیسم دیالکتیک» به عنوان علم اجتماعی کذبی (۱۷)، پیش از آخرین همذات خود با خصوصیات دولت گریز و تمرکز زدا، متعددالشکل و به همان اندازه مصنوعی که امروز در شکل ماتریالیسم پیروزمندانه در سرمایه داری افسارگسیخته تبلور یافته: بی خدا و بی ارباب، ولی با توده عظیمی از بردگان، ابتداء آنهایی که با بهره متغیر در نظام رباخوار وام گرفتند.

پی نوشت: مداخلات مترجم مشخص شده، مابقی به متن اصلی تعلق دارد

۱۳) نظریه «نظام جهانی» (یا سیستم - جهان) در تداوم نظریه «اقتصاد جهانی» مطرحی می‌گردد که «فرناند برودل» تاریخ‌شناس توضیح داده است. اقتصاد دان مارکسیست مصری سمیر امین این نظریه را گسترش داده و تحول نیافتگی جهان سوم را حاصل جایگاه آن در نظم نوین اقتصاد بین‌المللی می‌داند. «سیستم هائی» که در این جا مطرح می‌باشد به عنوان «سازمان های محرکی تعریف می‌شود که عناصر متنوعی در پیوند کنشی واکنشی با یکدیگر قرار داده، و نقطه اشتراک راهبردی آن منطق مستقل رشد است». نوید هائی به مثابه انتخاب اجتماعی یا تصمیم سیاسی به آشناری از نتایج می‌انجامد. چنین دینامیسمی، وقتی کارگزاری شود، در برخی موارد می‌تواند با تغییر در تعادل ساختار، جریان تاریخ را تغییر دهد. برخی اوقات، یک نظریه ساده، به محض این که راه اندازی می‌شود، و توسط توده ها مقبولیت عام می‌یابد، یعنی وقتی در بینشی نفوذ کند که بر رابطه انسان و جهان و جامعه حاکم تأثیر بگذارد، روند خاص خود را می‌پیماید و بر اساس منطق خاص خود تحول می‌یابد. آلکسی دو توکوویل با نکات تمام مشاهده کرده بود که تحولات بزرگ اجتماعی پسا انقلابی (با خصلت دموکراتیک) به دلیل ریشه کن شدن انسان ها تحقق یافته، نتیجه مالیات ارضی و حذف قانون اولویت فرزند اول در حق ارث که به قطعه قطعه شدن خدشه ناپذیر زمین و همزمان به تخریب قدرت ارثی از طریق زمین انجامید. یک تغییر ساده قانون قضائی در مورد ارث یا انتقال مالکیت کافی خواهد بود تا هزار سال تاریخ کنار گذاشته شود و بنیاد جهان بر پایه دیگری قرار گیرد. اگر به تعریف «تعادل نظام» که «فردیناند دو سوسور» در کتاب «مقدمه ای بر زبان‌شناسی عمومی» عرضه کرده است مراجعه کنیم که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، او می‌گوید: زبان سیستمی است که تمام اجزاء آن در پیوند با یکدیگراند و ارزش یکی حاصل حضور همزمان دیگر اجزاء می‌باشد. در مجموع عناصر یکی به دیگری مرتبط بوده و یک کل سازمان یافته را تشکیل می‌دهد.

Guizot (۱۴)

François Pierre Guillaume Guizot

۱۷۸۷-۱۸۷۴ تاریخ‌شناس و سیاستمدار فرانسوی، عضو آکادمی فرانسه ۱۸۳۶-۱۸۷۴

۱۵) داستایوفسکی، برادران کارامازوف. در کتاب ۱۱، فصل ۴، میتیا (دیمیتری) چنین می‌گوید: «اگر خدا وجود نداشته باشد چه باید کرد، اگر راکیتین حق داشته باشد که مدعی شود که بشریت این نظریه را اختراع کرده است؟ در این صورت انسان پادشاه روی زمین و جهان خواهد بود. بسیار خوب! فقط، چگونه بی‌خدا می‌تواند پارسا باشد؟ من از خودم می‌پرسم. [...] پارسائی چیست؟ به من جواب بده آلکسی. من مثل چینی ها به پارسائی فکر نمی‌کنم، آیا یک چیز کاملاً نسبی است؟ هست یا نیست؟ یا این که نسبی است؟ پرسش پیچیده ای به نظر می‌رسد. [...] پس همه چیز مجاز است؟». در مورد فرانسوا گیزو، گفتاری که به او نسبت داده شده برای داستایوفسکی نیز معتبر است، بیانیه ۱ مارچ ۱۸۴۳ در مجلس نمایندگان به شکل مختصر می‌گوید: «زمانی بود [...] که فتح حقوق اجتماعی و سیاسی مشغولیت بزرگ ملی به نظر می‌رسید، [...] این فتح تحقق یافت، حال به امور دیگر بپردازیم. شما نیز می‌خواهید به سهم خودتان پیش بروید و آنچه را که نیاکانتان قادر به انجام آن نبودند تجربه کنید [...] از این پس از این حقوق استفاده کنید [...] نهادهایتان را استحکام ببخشید، آگاه شوید، ثروتمند شوید، شرایط مادی و معنوی کشورمان فرانسه را بهبود بخشید: این است نوآوری های حقیقی».

واژه جدید در علوم انسانی ترکیبی از دمکراسی و دیکتاتوری. Démocrature (۱۶)

(۱۷) **مترجم** : روشن است که مترجم مطالب نویسنده را ترجمه می کند و اگر چه در برخی موارد با جهان بینی خود مترجم در تضاد باشد. در نتیجه من نظریات ارائه شده در متن را ترجمه کرده ام و شاید که انتقاد بیشتر به برداشت های مغلطه آمیز از ماتریالیسم دیالکتیک مرتبط باشد تا خود ماتریالیسم دیالکتیک. در هر صورت تجربه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی یک تجربه شکست خورده است. ولی چنین موضوعی تنها به یک تجربه تاریخی باز می گردد نه چیزی بیشتر.

گاهنامه هنر و مبارزه

۳ جون ۲۰۱۳